



قانون - «بیوه کودک» از جمله پدیده‌های نوظهور در کشور است که با وجود همه هشدارهای کارشناسان، شیوع روز افزونی داشته و در پی ازدواج‌های زیر ۱۵ سال در کشور، عامل بروز ناهنجاری‌های فرهنگی در کشور می‌شود. آمار ازدواج‌های کودکانه در کشور بیشتر می‌شود و به تبع آن، تعداد بیوه کودکانها بیشتر. در عصر مدرنیته شدن و گسترش شهرنشینی و بالا رفتن سن ازدواج باز در شهرهایی که بر اصول سنتی شان پایبند هستند، ازدواج در سنین کمتر از ۱۵ سال بسیار مشهود است، بچه‌هایی که در دنیای کودکی یا بلوغ باید مسئولیت زندگی را بر اساس سنت‌های پدر و مادران خود را بر دوش بکشند بدون اینکه اراده و اختیاری در این زمینه داشته باشند. آمارهای ثبت احوال نشان می‌دهد که در سه ماهه اول امسال ۱۲ هزار و ۸۸ نفر

کمتر از ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند یا به عبارتی دیگر ۹ هزار و ۸۶۳ دختر و پسری که با هم ازدواج کرده‌اند کمتر از ۱۵ سال سن دارند. همچنین بر اساس این گزارش، در سال ۹۰، ۲۹ هزار و ۸۳۱ دختر و پسر کمتر از ۱۵ سال در کشور با یکدیگر ازدواج کرده‌اند. این آمارها نشان می‌دهد، پایین‌ترین میزان ازدواج زودهنگام متعلق به شهر تهران با ۷/۷ درصد است و مناطق روستایی استان‌های اصفهان و سیستان و بلوچستان بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین بررسی درصد کسانی که تا قبل از سن ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سالگی ازدواج کرده‌اند نشان می‌دهد که نزدیک به ۲۲/۸ درصد دختران ۱۷ ساله در مناطق روستایی و ۱۳/۱ درصد در مناطق شهری ازدواج کرده‌اند. آمارهای جهانی نیز گویای آن است که ۳۶ درصد زنان ۲۰ تا ۲۴ سال قبل از رسیدن به سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و سالانه ۱۴ میلیون نوبالغ ۱۵ تا ۱۹ ساله زایمان می‌کنند و دختران زیر سن ۱۵ سال، پنج برابر بیش از دختران سن ۲۰ سالگی دستخوش مرگ و میر در طول دوران بارداری یا زایمان می‌شوند.

فقر فرهنگی، عامل ازدواج کودکانه

کارشناسان می‌گویند فقر فرهنگی و پایبندی به اصول و عقاید قدیمی و سنتی هنوز در بسیاری از خانواده‌های ایرانی وجود دارد که دختر و پسر کودک یا نوجوان خود را اسیر و قربانی این پایندهایی که ناشی از پایین بودن سطح آگاهی و فرهنگ آن خانواده است، می‌کنند. تبعات ازدواج دختر و پسر در دوران کودکی یا نوجوانی، تبعات منفی و آسیب‌های اجتماعی زیادی را در آینده بر آنان بوجود می‌آورد، بچه‌هایی که هنوز به شعور و آگاهی کامل نرسیده‌اند، باید بار بزرگی از زندگی متاهلی را بدون رغبت و بر اساس خودخواهی‌های والدین خود به دوش بکشند. در این میان دختران کمتر از ۱۵ سال بیش از پسران قربانی فقر فرهنگی و حتی فقر مالی خانواده‌های خود می‌شوند، در بسیاری روستاها و شهرهایی مانند خوزستان و سیستان و بلوچستان والدین بودن دختران را هزینه و بار اضافی بر هزینه خانوار محسوب کرده و با ازدواج او نه تنها بار هزینه را می‌کاهند بلکه گاه با ازدواج دخترشان با افراد مسن‌تر می‌توانند به زندگی اقتصادی و اجتماعی دختر و حتی خودشان نیز سامان بهتری دهند. در این اجتماعات ازدواج برای خانواده دختر به نوعی امتیاز اقتصادی نیز محسوب می‌شود. یک دختر در این شرایط به عنوان کالا مورد معامله قرار می‌گیرد و گاه به عنوان پول یا به جای بدهی معامله می‌شود. در موارد نابسامانی یا شرایط بد زراعت، خانواده‌ها می‌دانند که دخترانشان می‌توانند زمینه امنیت اقتصادی برای آنان باشند موضوع پرداخت جهیزیه با همین منظر برای

تشویق به ازدواج زودهنگام است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ازدواج دختران در سنین کودکی در خانواده‌هایی که پدر معتاد، بیمار روانی، بیسواد یا کودک تک‌والد یا والد ناتنی داشته باشند و از لحاظ اقتصادی - اجتماعی در سطح پایینی باشند، بیشتر است

ازدواج برای قاچاق کودک

آمارهای کشور نشان می‌دهد، ۷۲ درصد از زنانی که اقدام به ترک خانه (فرار از خانه) کرده و در اورژانس‌های اجتماعی بهزیستی استان تهران در سال‌های ۸۱ و ۸۲ پذیرش شده بودند بین ۱۱ تا ۱۷ سال داشتند. مجید ابهری، کارشناس و آسیب‌شناس اجتماعی در گفت‌وگو با «قانون» می‌گوید: ازدواج به عنوان یک پدیده فرخنده نقطه عطف بلوغ است. متأسفانه هنوز بسیاری از افراد در جامعه ما بلوغ جسمی را تنها ملاک ازدواج قلمداد کرده و توجهی به بلوغ فکری و اجتماعی ندارند. یعنی اصولاً برایشان مهم نیست که فرد توانایی ازدواج را دارد یا نه

وی ادامه می‌دهد: با کمال تأسف در مناطق عشایری مثل خوزستان و هرمزگان ازدواج‌های زودرس هنوز ملاحظه می‌شود. معمولاً در مناطق یاد شده این گونه ازدواج‌ها به دلیل شرایط آب و هوایی و بلوغ جسمی اتفاق می‌افتد. حتی در مورد بلوغ جسمی نیز برخی خانواده‌های عشایر اعتقاد دارند دختر باید در خانواده شوهر به بلوغ برسد. این عادت‌ها و پندارهای غلط باعث می‌شود دختری خردسال به عقد یک مرد بزرگسال در بیاید. گاهی بزرگان قبیله برای پایان دادن به دعواهای بین قبیله‌ای و عشیره‌ای و پیشگیری از نزاع‌های بعدی این کار را که به آن «خون بست» می‌گویند انجام می‌دهند. ابهری با بیان اینکه علاوه بر بروز مشکلات جسمی و ناراحتی‌هایی که در روابط زناشویی میان زوجین کمتر از ۱۵ سال به وجود می‌آید، اظهار می‌دارد: مشکلات روحی عدیده‌ای برای آن‌ها پیش می‌آید که منجر به خودکشی و فرار از خانه می‌شود و در بهترین حالت آن باعث می‌شود آن دختر زندگی‌اش را در افسردگی ادامه می‌دهد

بیوه کودک‌ها زیاد شده‌اند

کارشناسان اجتماعی با اشاره به اینکه درصد قابل توجهی از ازدواج‌های زودرس و در سنین زیر ۱۵ سال منجر به طلاق زودرس نیز می‌شود می‌گویند که این مهم پدیده بیوه کودک‌ها را در نیز همراه داشته که معضلات اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارد. بحران‌های روحی و فکری این گروه از افراد جامعه و اینکه

بعد از طلاق، رها می‌شوند از جمله مسائلی است که کمتر از سوی نهادهای حاکمیتی مورد توجه قرار گرفته و این مسئله افزایش کودکان مطلقه را همراه داشته است

دولت مداخله کند

مینو گودرزی، کارشناس اجتماعی نیز در این باره تصریح می‌کند: این ازدواج‌های آزار دهنده دخالت نهادهای فرهنگی و قضایی را می‌طلبد تا از این فجایع جلوگیری کنند. بعضی از این خانواده‌ها پرجمعیت هستند و گاهی ۱۴ فرزند دارند و در مناطق هرمزگان برای رها شدن از هزینه شکم فرزندان خانواده خود این کار را انجام می‌دهند. شناسایی خانواده‌های پرجمعیت و حتی اعمال پیشگیری‌های اجباری برای جلوگیری موالید می‌تواند راهکار دیگری را برای جلوگیری از این حوادث تلخ باشد. وی می‌گوید: متأسفانه ازدواج‌های کمتر از ۱۵ سال به ثبت قانونی نمی‌رسد و فقط توسط روحانی محل صیغه عقد جاری می‌شود. در بیشتر موارد این صیغه ادامه یافته و زن با کوچک‌ترین اعتراض از خانه اخراج می‌شود. وی ادامه می‌دهد: بالا بردن سطح آگاهی و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها، تعریف پروژه‌های آموزشی در عشایر جنوب و مناطق یاد شده و استمداد از روحانیون محل برای دخالت در این گونه موارد می‌تواند چاره‌ساز باشد. چرا که روحانیون اهل سنت در مناطق سنی نشین دارای جایگاه ویژه‌ای هستند و می‌توانند با آگاه‌سازی مردم از این گونه اعمال جلوگیری کنند. گاهی دیده می‌شود که عروس با عروسک به خانه بخت می‌آید و حتی الفبای ازدواج و زناشویی را نمی‌داند و متأسفانه هیچ کس هم مسائل زناشویی را به آن‌ها آموزش نمی‌دهد و با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. دولت باید در یک برنامه گسترده علمی از طریق کمیته امداد، بهزیستی، نیروی انتظامی و قوه قضاییه با آگاه‌سازی روسا و ریش سفیدان قبایل اقدام به اطلاع‌رسانی کرده و اجازه ندهند این گونه فجایع و ازدواج‌ها اتفاق بیفتند و تکرار شود

بیوه کودکان چه می‌شوند؟

براساس کنوانسیون جهانی حقوق کودک تمام افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند و از یکسو، براساس قانون مدنی دختران در ۱۳ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی به بلوغ می‌رسند. با توجه به قوانین سن ازدواج این موضوع از چند منظر قابل بررسی است یکی از نظر اجتماعی و فرهنگی و دیگری از منظر قانونی. آمارهای دست و پا شکسته ثبت احوال می‌گوید که در سال ۸۵ حدود ۲۵ هزار کودک مطلقه داشتیم که از

این میزان ۱۵ هزار در نقاط روستایی و مابقی در نقاط شهری بوده است. قابل توجه اینکه تعداد حدود ۱۲ هزار کودک نیز در این سال مشاهده شده‌اند که همسرشان فوت کرده که آمار آن در نقاط شهری بیشتر است. اینکه سرنوشت کودکان مطلقه و بیوه چه می‌شود و در ابتدای دوره تازه زندگی خود با بحران‌های روحی و .. اجتماعی چه می‌کنند، موضوعی است همچنان بی‌پاسخ